



مرکز ایرانی مطالعات سیاسی
IRANIAN CENTRE FOR POLICY STUDIES

ایران اسرائیل و فلسطین در "انستیتو خاورمیانه" گزارش اختصاصی «کرگز ایرانی مطالعات سیاسی» از یک گفت‌وگوی غیررسمی ایرانی، اروپایی و منطقه‌ای

■ آخرین ماه از سال میلادی ۲۰۲۳، بسیاری از مؤسسات پژوهشی و تحلیلی جهان میزبان داغ‌ترین گفتگوها درباره جنگ جاری در منطقه و به ویژه نقش ایران بودند. از جمله «انستیتو خاورمیانه» (Middle East Institute)، که یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین مراکز پژوهشی مستقر در واشنگتن است، نشست مجازی (وبینار) در نیمه دسامبر برگزار کرد که در آن چند چهره دانشگاهی و پژوهشی شناخته شده در حوزه خاورمیانه، هر یک تحلیل‌هایی پیرامون جنگ جاری و نقش ایران میان اسرائیل و حماس در غزه را به بحث گذاشتند. تجربه نشان داده است که این نشست‌ها فراتر از جنبه تئوریک و تحلیلی آن، نقشی در دیپلماسی نیز ایفا می‌کند و پیام‌هایی را از سوی سخنرانانش به دولت‌ها می‌فرستد. این نشست و جلسه تحلیلی که توسط آقای "آلکس وطن‌خواه" مشاور ارشد و مدیر برنامه ایران در آن مرکز اداره شد، بی شک در شرایط حساس فعلی، حاوی رساندن پیام‌هایی غیررسمی، برای مقامات، ایرانی، غربی و منطقه‌ای بوده است.

■ توضیحات مقدماتی

در حالی که جمهوری اسلامی، در هماهنگی با "محور مقاومت" که ساخته و پرداخته خودش است، همواره مجدانه و پیوسته متعهد و بانی حمایت از حماس در تمام درگیری‌هایش علیه اسرائیل بوده است، و از آنجا که سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی در این زمینه با مجموعه‌ای از ملاحظات مهم شکل گرفته که می‌تواند بالقوه به یک درگیری منطقه‌ای گسترده‌تر و به مراتب خطرناک‌تر، از خطوط جنگ فعلی با تعدادی از کشورهای دیگر، از جمله ایالات متحده، تشدید شود، اما جهان، فارغ از شعارهای کلیشه‌ای معمول، شاهد یک سری اقدامات حساب‌شده و محافظه‌کارانه از سوی ایران بوده است.

ادامه تنش‌ها توسط نیروهای نیابتی ایران بویژه حملات اخیر حوثی‌ها به کشتیرانی تجاری کشورهای مختلف در آب‌های دریای سرخ که اینک منجر به ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی گسترده برای رویارویی با آن شده، می‌تواند این امکان را فراهم سازد که جنگ محدود کنونی به یک درگیری وسیع منطقه‌ای تبدیل گردد که احتمالاً به خاک ایران و دروازه‌های تهران هم برسد. این در حالی است که در حال حاضر شانس واقع بینانه‌ای هم برای رسیدن به یک توافق هسته‌ای در افق دیده نمی‌شود؛ امری که با ادامه تنش‌های جدی با غرب و تشدید بحران و خیم اقتصادی در داخل کشور همراه است.

در ادامه نشست، سخنرانان دعوت شدند تا نظرات‌شان را درباره این محورها مطرح کنند که آیا ایران و نیروی قدس در کنترل کامل نیروهای نیابتی هستند یا اینکه این امکان وجود دارد که

آنها مشکلات راهبردی قابل توجه و بالقوه غیرمنتظره‌ای را برای ایران ایجاد کنند؟ دیگر اینکه اگرچه جنگ جاری ممکن است از یک سو شانس توافق هسته‌ای ایران و آمریکا را در این مقطع کاهش داده باشد، ولی از سوی دیگر، به ویژه در شرایط پس از خاتمه مناقشات، ممکن است فرصت جدیدی برای ایران فراهم شود تا در پایان جنگ، نقشی در یک گفتگوی منطقه‌ای گسترده‌تر پیدا کند؟.

■ ناصر هادیان

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

این جنگ اسرائیل و حماس نیست؛ جنگ اسرائیل و فلسطین است

ناصر هادیان، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در آغاز گفت: عنوان این وینار، با توجه به اینکه تاریخ این مناقشه در ۷ اکتبر امسال آغاز نشده، قدری گمراه کننده است زیرا این جنگ بین اسرائیل و حماس نیست بلکه جنگی است میان اسرائیل و ملت فلسطین. با این حال، هیچ کس در ایران آنقدر ساده لوح نبوده و نیست که از میزان حمایت آمریکا از اسرائیل شگفت‌زده شود. اما شاید با توجه به افکار عمومی جهان و رای‌گیری‌های اخیر در سازمان ملل متحد، آنچه کل جهان را متعجب کرده است، روند وضعیت اسفناکی است که همه شاهد آن بوده‌اند، و به خصوص اینکه هیچ کس انتظار نداشت که ایالات متحده خواستار یا حامی آتش بس نباشد.

هادیان افزود: در عین حال، در حالی که همه از این واقعیت آگاه هستند که ایالات متحده و اروپا به طور سنتی از ارزش‌هایی مانند حقوق بشر حمایت می‌کنند، و با توجه به اینکه هر دو خود را در گذشته به عنوان ستون فقرات نمادین قوانین بین‌المللی امروزی مربوط به حقوق بشر معرفی می‌کنند، تردیدی وجود ندارد که این تصویر قبلی اکنون به دلیل عدم اعتراض آنها علیه مجازات دسته جمعی - اگر نگوییم نسل‌کشی - که ما در غزه شاهد آن هستیم، به شدت خدشه دار شده و روشن است که آمریکا با کوتاهی در تاکید و پشتیبانی خود از این ارزش‌ها نشان داده است که مدافع مشروع این اصول نیست و احتمالاً از این جهت سخنان آتش‌بس در این زمینه نیز جدی گرفته نخواهد شد.

ناصر هادیان با تاکید بر اینکه "احتمال حمایت جمهوری اسلامی از هر طرح صلح آتی به نحوه پایان خصومت‌های کنونی بستگی دارد" نسبت به هزینه بالای پیش‌رو با "هزاران کشته در مقابل صدها هزار کشته و یا قتل عامی قریب‌الوقوع" هشدار داد و گفت: اگر جنگ به سرعت خاتمه یابد احتمال خوبی وجود دارد که جمهوری اسلامی در عین اینکه حمایت نکند، مخالفتی هم با هر گونه سیاست برای توقف جنگ و رسیدن به آتش بس و مدیریت درگیری - موقعیتی که جایی میان جنگ و صلح دارد - از خود نشان دهد.

این استاد دانشگاه افزود: جمهوری اسلامی از فرآیندی حمایت می‌کند که منازعه را مدیریت کرده و سپس به سمت حل و فصل وضعیت حرکت کند. این سیاست فعلی دولت کنونی ایران است، اگرچه مثلاً دولتی جایگزین دولت فعلی با دیدگاهی متفاوت، می‌تواند متفاوت عمل کند.

محکومیت استانداردهای دوگانه؛ چه اسرائیل، چه سوریه، چه روسیه!

در این بخش از نشست، یکی از اعضای پانل (Eckart Woertz) ناصر هادیان را به بی‌انصافی و داشتن استانداردهای دوگانه متهم کرد و گفت او غرب را بعلت عدم محکومیت نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه توسط اسرائیل متهم می‌کند در حالی که تباری ایران با دولت سوریه و دیگر گروه‌های نیابتی که باعث کشته شدن بیش از ۵۰۰ هزار نفر و آواره شدن میلیون‌ها نفر

در سوریه و جاهای دیگر شده را نادیده می‌گیرد. هادیان در پاسخ به این نقد تصریح کرد که او بدون هیچ قید و شرطی همه این اقدامات و استانداردهای دوگانه را بدون توجه به اینکه کدام طرف مسئولیت آنها را داشته باشد محکوم می‌کند؛ او یا اشاره به اشتباهاتی که در جاهای دیگر صورت گرفته است، و همزمان عدم نکوهش بی‌قید و شرط اسرائیل برای اقدامات غیرقابل قبولش در غزه نیز به سهم خود صادقانه نیست و به دور از انصاف است.

هادیان افزود: در مورد استانداردهای دوگانه، بطور نمونه، توجه به آنچه که صدراعظم آلمان و دیگر رهبران غربی در مورد جنایات روسیه علیه او کراین بیان کرده بودند، در قیاس با سکوتی که امروز در ارتباط با آنچه که در غزه رخ می‌دهد سکوت کردند، مهم است؛ جمهوری اسلامی به دلیل اولویت‌ها و برنامه‌ریزی‌های درازمدت خود در تلاش پیدا کردن راهی برای پایان دادن به جنگ کنونی است.

دو فرض برای گسترش جنگ در منطقه

ناصر هادیان بر این باور است که جنگ کنونی تنها در دو صورت می‌تواند در منطقه گسترده شود؛ یک اینکه اسرائیل وارد یک حمله نظامی جدی به حزب الله لبنان بشود. یعنی تا وقتی اقدامات نظامی محدود به حوثی‌ها، حشد الشعبی یا حتی خود ایران باشد الزاما به گسترش جنگ منجر نمی‌شود، زیرا با توانایی ایران در پاسخگویی متناسب، تغییری در محور و محاسبات کلان استراتژیک ایران ایجاد نمی‌کند. اما حمله به حزب الله با دید دیگری مواجه خواهد شد. دوم اینکه آمریکا حمله نظامی به ایران انجام دهد.

سیاست‌های ایران؛ تقویت ناخواسته افراط‌گرایان در اسرائیل

از نظر این استاد علوم سیاسی، جمهوری اسلامی به نوعی ناخواسته عملاً باعث تقویت موقعیت افراط‌گرایان راست در اسرائیل به قیمت تضعیف نیروهای چپ در آن کشور بوده اما می‌گوید آنچه شاید در آینده شاهد آن باشیم این است که اگرچه جمهوری اسلامی در گذشته روی خوشی به "ابتکار صلح عربی ۲۰۰۲" از خود نشان نداده بود، اما این امکان اینک هست که احتمالاً آن را تحمل کرده و بپذیرد.

رابطه جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی

آیا جمهوری اسلامی عملاً مسئولیت فرماندهی عملیات نیروهای نیابتی خود را در منطقه بر عهده دارد یا نه؟ ناصر هادیان می‌گوید باید به این اصل کلی توجه داشت که رهبران ایران معتقدند که تصمیمات مربوط به حوزه فعالیت این نیروها باید عمدتاً توسط هر یک از اعضای "محور مقاومت" اتخاذ شود؛ به عنوان مثال، حسن نصرالله در مقایسه با دولت ایران یا سپاه قدس در اتخاذ هر تصمیمی که مربوط به منطقه خودش باشد، از موقعیت بسیار بهتری برای انجام اقدامات لازم برخوردار است و آنها را همیشه خودمختارانه انجام می‌دهد؛ اما در صورتی که خطوط قرمز جمهوری اسلامی تهدید شود و در چنین شرایطی چیزی بخواهد در موقعیتی قرار دارد که در نهایت خواسته‌هایش را تامین نماید.

آقای هادیان در پاسخ به پرسشی درباره "احساس حمایت از اسرائیل در میان عموم مردم ایران" گفت: این امر را باید بیشتر به واکنش مردمی علیه دولت و مواضع و جهت‌گیری‌های غیرمحبوب آن در رابطه با مقوله فلسطین نسبت داد. احساسات عمومی در این زمینه کمتر به خود اسرائیل یا فلسطین مربوط است و بیشتر به نوعی «اقدام یا واکنش» علیه سیاست‌های غیرمحبوب حاکمیت در قبال این موضوع است. اما در مورد اینکه جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه به

دنبال چه چیزی است، گفت: اولاً ایران خواستار برگزاری یک همه پرسی برای تصمیم گیری در مورد آینده روابط بین یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در تمام مناطق مورد مناقشه است. ثانیاً هر تصمیمی که فلسطینی‌ها بگیرند برای دولت ایران مقبول خواهد بود. ثالثاً عده‌ای در ایران احساس می‌کنند که راه حل دو دولتی می‌تواند قابل قبول باشد.

■ ماها یحیی

مدیر مرکز خاورمیانه "کارنگی" در بیروت

شرایط در جهان عرب تغییر می‌کند

■ **ماها یحیی**، مدیر مرکز خاورمیانه "کارنگی" در بیروت دیگر سخنران این نشست گفت: قبل از ۷ اکتبر، جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده بود که هر توافق احتمالی میان اسرائیل و عربستان سعودی، امری است که کاملاً به آنها مربوط می‌شود. چنین موضعی بر این اساس استوار بود که برای اولین بار پس از مدت‌ها، رهبران ایران پس از نزدیک شدن به عربستان سعودی به این احساس رسیده بودند که سیاست‌های منطقه‌ای آنها دیگر در مناطقی مانند سوریه و لبنان به چالش جدی کشیده نخواهد شد. رویدادهای ۷ اکتبر و آنچه پس از آن رخ داده است، ایران را در موقعیت دشوار "صخره و مکان سخت" قرار داده است و در نتیجه ممکن است اوضاع دیگر مثل قبل نباشد. این به این دلیل است که شرایط در جهان عرب شروع به تغییر کرده است تا آنجا که برخی از نظرسنجی‌های اخیر از مردم غزه و کرانه باختری نشان می‌دهد محبوبیت ایران (۵۰٪) افزایش شدیدی نسبت به ایالات متحده (۱۱٪) پیدا کرده است. در عین حال، توجه به این نکته حائز اهمیت بوده که حزب‌الله به صراحت گفته که این جنگ یک مشکل فلسطینی است [و به صورت جدی] وارد معارضة نشده است.

ایران باید بخشی از "پایان نهایی" باشد

ماها یحیی افزود: از زمان ابتکار صلح عربی در سال ۲۰۰۲ هیچ موضع واحد عربی وجود نداشته و البته مسئله فلسطین پس از سال‌ها به حاشیه راندن، اکنون بار دیگر به صحنه و متن بازگشته است. با این وجود، اوضاع در حال حاضر طوری پیش می‌رود که هیچ کس هیچ تصویری از آنچه در "روز بعد" اتفاق خواهد افتاد و یا میزان تخریب و خساراتی که بر زیرساخت‌های مختلف موجود در غزه وارد شده است، ندارد. با این حال، این تصور هست که ایران باید بخشی از هر بحثی در ارتباط با هر "پایان نهایی" قرار بگیرد.

امنیت اسرائیل خط قرمز است

خانم ماها یحیی گفت: تأکید بر این واقعیت مهم است که پیمان ابراهیم و ابتکار صلح عربی سال ۲۰۰۲ یکسان نبوده اند و به هیچ وجه نمی‌توان آنها را با مقوله "زمین در برابر صلح" مقایسه کرد. حضور این همه کشتی جنگی در منطقه و اطراف آن پیام روشنی است که امنیت در اسرائیل یک مسئله خط قرمزی است. از این رو، جای تعجب نیست که حزب‌الله به نوبه خود و با آگاهی کامل از این واقعیت که اگر آنها از مرزهای خاصی عبور کنند، با جهنمی غیرقابل پیش‌بینی روبرو خواهند شد، خویشتن داری زیادی نشان داده است. با این حال، توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که با توجه به این واقعیت که حوثی‌ها به تجارت دریایی در دریای سرخ و باب‌المنندب حمله می‌کنند، در حالی که نیروهای نیابتی ایران اقدام به حمله به پایگاه‌های ایالات متحده در عراق و سوریه کرده‌اند، جنگ پیش‌تر جنبه منطقه‌ای پیدا کرده است.

مدیر مرکز خاورمیانه "کارنگی" در بیروت افزود: در حالی که استفاده از بمب‌های فسفوری توسط اسرائیل هکتارها از مزارع زیتون را نابود کرده است، کاملاً واضح است که کسی نمیداند این اوضاع به کجا می‌رود، به ویژه با توجه به شرایطی که یک نخست‌وزیر ضعیف در اسرائیل برای بقای خود مبارزه می‌کند، و در کنارش یک جامعه اسرائیلی قرار دارد که هنوز در یک شوک عمیق به سر می‌برد. در چنین سناریویی، این یک شیب لغزنده است که ممکن است به تشدید تنش و احتمالاً یک جنگ منطقه‌ای منجر شود، اگرچه ایالات متحده اسرائیل را تحت فشار قرار داده است که به لبنان حمله نکند.

مقصر اصلی در داخل اسرائیل است

ماها یحیی در بخش دیگری از سخنانش گفت: همانطور که اوضاع در این زمان نشان می‌دهد، هیچ تصور قابل مشاهده‌ای از یک «بازی پایانی» وجود ندارد. در حالی که اقدامات جمهوری اسلامی احتمالاً نقشی در آنچه رخ داده است ایفا کرده است، اما مقصر اصلی مربوط به اوضاع و احوال در داخل اسرائیل و نقشی است که امثال بن گویر و اسموتریچ ایفا کرده‌اند. در مورد اینکه کشورهای عربی احتمالاً برای "روز بعد" چه خواهند کرد، هیچ کس در غیاب یک طرف سخن اسرائیلی متعهد، کوچکترین ایده‌ای ندارد به ویژه اینکه نتانیاهاو راه حل "دو ملتی" را تضعیف کرده است و خود عرب‌ها هم به سهم خود ابتکار صلح عربی ۲۰۰۲ را تضعیف نموده‌اند. نگرانی فوری‌تر مربوط به جنگ جاری، در مورد "انتقال قومی" و مشکلات احتمالی هر اقدامی است که ممکن است منجر به مجبور کردن ساکنان غزه در نقل مکان به سینا شود.

جمهوری اسلامی به دنبال چیست؟

خانم یحیی در پاسخ به این پرسش که جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه به دنبال چیست گفت: ایران خواهان پذیرش نقش منطقه‌ای خود در کنار منافع استراتژیک و نیروهای نیابتی و شرکای خود است. اما در شرایطی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر صحنه اقتصادی و سیاسی ایران مسلط است، سوال این خواهد بود که با گذشت زمان در داخل ایران چه اتفاقی خواهد افتاد - یعنی آیا تغییری در مواضع مربوط به آمریکا و اسرائیل صورت خواهد گرفت؟ در حال حاضر هیچ کس نمی‌تواند پاسخی به این سؤال بدهد، اما این پیشنهاد از سوی سایر ورودی‌های نوظهور در سیاست ایران مطرح می‌شود که با جمعیتی خسته مواجه‌اند که از دیدن به هدر رفتن ثروت خود در ماجراجویی‌های خارجی به شدت عصبانی هستند و این معما را پیچیده‌تر می‌کند.

■ اکارت ورتد

مدیر مطالعات خاورمیانه در موسسه آلمانی مطالعات جهانی و منطقه‌ای در هامبورگ

اروپایی‌ها موضع واحد ندارند

آخرین سخنران این نشست، اکارت ورتد، مدیر مطالعات خاورمیانه در موسسه آلمانی مطالعات جهانی و منطقه‌ای در هامبورگ بود. به باور او: از نظر نحوه نگرش اروپایی‌ها به مسئله، مهم است که در ابتدا گفته شود که یک موضع یا دیدگاه واحد اروپایی وجود ندارد. در واقع، برخی از کشورهای سابق اروپای شرقی آشکارا از اسرائیل حمایت می‌کنند، در حالی که کشورهایمانند ایتالیا و اسپانیا از آتش‌بس حمایت می‌کنند، و آلمان و بریتانیا در وسط معلق هستند. با این حال، در فضایی که همه چیز در حال نوسان است، شکی نیست که ایران با توجه به موقعیتی که با نیروهای نیابتی‌اش در منطقه دارد، یک بازیکن جدی است که به نوعی نقش آفرینی هم می‌کند.

عامل جدیدی که ممکن است با پیشروی امور، اوضاع را پیچیده‌تر کند، اظهارنظر حسین امیرعبداللہیان، وزیر امور خارجه ایران است که چند روز قبل گفته بود تنها چیزی که ایران و اسرائیل در اشتراک با هم دارند این است که هر دو راه‌حل دو کشوری را کارگر نمی‌دانند. به ویژه با توجه به پیشنهاد ایران برای برگزاری رفراندوم برای تعیین سرنوشت فلسطین، با اجازه رای دادن به فرزندان کسانی که قبل از سال ۱۹۴۸ در آنجا زندگی می‌کردند. با این وجود، با توجه به سطح کشتارهای انجام شده توسط دولت اسد در سوریه که تحت حمایت ایران است شبه نظامیان شیعه در عراق، یا فروش پهپادهای ایرانی به روسیه برای استفاده از آنها در جنگ علیه اوکراین، ادعاهای ناصر هادیان غیرمنصفانه به نظر می‌رسید.

اکارت ورتذ افزوده: امروز کاملاً مشخص است که اتحادیه اروپا در موقعیتی قرار ندارد که هیچ نوع سیاست واحدی در مورد ایران یا اوکراین داشته باشد. با این حال، در گذشته سیاست "گفت‌وگوی انتقادی" که از سال ۲۰۰۲ توسط فرانسه، آلمان و انگلیس آغاز و دنبال شد، به تدریج شتاب بیشتری گرفت و نهایتاً به شرایطی منجر شد که با امضای برجام در سال ۲۰۱۵ منجر گردید. اگرچه برجام در مجموع موفقیت آمیز بود، اما در حال حاضر هیچ توافق هسته‌ای در افق و هیچ نقش جدیدی برای اتحادیه اروپا در این راستا دیده نمی‌شود. بنابراین در فضایی که رژیم ایران به سرکوب وحشیانه اعتراضات داخلی و رفتارهای هولناک از قبیل «دیپلماسی گروگان گیری» متوسل می‌شود، و در شرایطی که ایران بسیاری از دوستان خود را در اتحادیه اروپا از دست داده است، بعید به نظر می‌رسد اتحادیه اروپا، دست به ابتکار جدیدی بزند.

ایران نمی‌خواهد حزب‌الله را قربانی کند

آقای **ورتذ** در بخش دیگری از سخنانش گفت: در زمانی که تصور می‌رود اسرائیل در قبال فشارهای بین‌المللی بیشتر از یک ماه دیگر فرصت ادامه جنگ را نخواهد داشت، تکیه بیش از حد بر راه‌حل دو کشوری در اصل چیزی بیش از یک شعار نیست، زیرا نه اسرائیل و نه حماس در واقع به چنین مقوله‌ای اعتقاد دارند. با این حال، پس از پایان جنگ، ممکن است اوضاع در این زمینه تغییر کند، اگرچه هیچ نقشی برای جمهوری اسلامی ایران در هیچ یک از مسائل فوری که ممکن است پیش بیاید، در نظر گرفته نشده است. اما جمهوری اسلامی نیز علاقه‌ای به تشدید تنش ندارد (همانطور که لحن دقیق سخنان نصرالله این واقعیت را تأیید نمود)، ایران نمی‌خواهد چنین نیروی «بازدارنده» مهمی (یعنی حزب‌الله) را که برایش حیاتی است (از جمله برای جلوگیری از واکنش‌های مختلف در ارتباط با برنامه هسته‌ای) قربانی کند.

بزرگترین تهدید علیه ایران "داخلی" است

در پایان این گفتار، مدیر مطالعات خاورمیانه در موسسه مطالعات جهانی و منطقه‌ای در هامبورگ درباره آنچه که جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه به دنبال آن است گفت: موقعیت آنها در ۱۰ سال گذشته به طور قابل توجهی تغییر کرده است. آنها در این ایام خود را به عنوان یک قدرت توسعه طلب نشان داده‌اند که به بی‌ثباتی منطقه کمک قابل توجهی کرده است. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ثابت کرده است که نمی‌تواند نیروهای نیابتی خود را رها کند، اگرچه بزرگترین تهدید علیه آن احتمالاً از جانب نیروهای سرخورده در داخل ایران است - وضعیتی که بویژه در پی سقوط اقتصاد لبنان، بسیار شبیه به موقعیت حزب‌الله در اوضاع و احوال داخلی آن کشور است.



